

بانگ خلافت در آذان !!

وارس لاهه هاء درونی « الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ »

نویسنده: سید علی شهرستانی

مترجم: سید هادی حسینی



بانگ خلافت در اذان

واریس لایه‌های درونی "الصلاه خیر من النوم"

تالیف: سیدعلی شهرستانی

مترجم: سیدهادی حسینی

انتشارات دلیل‌ما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۱

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نیتوگرافی: پرنوشمس

طبع: نگارش

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۳۹۷ - ۷۹۰ - ۰

تلفن و نما: ۷۷۴۴۹۸۸ - ۷۷۳۳۴۱۳ (+۹۸۲۵۱)

سم، صندوق پستی: ۱۱۵۲ - ۳۷۱۳۵

www.Dalilema.com

dalilema@outlook.com

قیمت: ۵۵۰۰ تومان

مراکز بخش:

(۱) قم، خیابان صفاییه، رویه‌های کوچه ۲۸، پلاک ۷۵۹، فروشگاه دلیل‌ما، تلفن ۷۷۳۷۰۰۱ - ۷۷۳۷۰۱۱

(۲) تهران، خ انقلاب، خ فدایی، ازلی، فروشگاه دلیل‌ما، پلاک ۶۱، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱

(۳) مشهد، چهارراه شهباز، مجتمع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان،

مجتمع تجاری گنجینه کتب، طبقه اول، فروشگاه دلیل‌ما، تلفن ۲۲۳۷۱۱۳ - ۵

سرشناسه
عنوان قراردادی
عنوان و نام پدیدآور

شهرستانی، علی، ۱۳۳۷ -

الصلاه خیر من النوم فی الاذان، الوجه الآخر. فارسی

بانگ خلافت در اذان: واریس لایه‌های درونی الصلاه خیر من

النوم / نویسنده سیدعلی شهرستانی؛ مترجم سیدهادی حسینی

قم: دلیل‌ما، ۱۳۹۱.

۲۲۴ ص.

978-964-397-790-0

فیفا

اذان و اقامه -- نظر اهل سنت

اذان و اقامه -- احادیث اهل سنت

اذان و اقامه -- احادیث

اذان و اقامه -- نظر اهل سنت

حسینی، هادی، ۱۳۴۳ -، مترجم

۱۳۹۱ ۹۰۴۱ ش ۴ الف / ۲۵ / ۱۱۷ BP

۲۹۷ / ۲۱۱

۲۷۲۳۸۷۵ :

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

این کتاب با حمایت معاونت فرهنگی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.



انتشارات دلیل‌ما

پیامک انتشارات ۷۷۴۴۹۸۸-۱۰۰۰۰

فهرست مطالب

سخن مترجم ۷

پیش گفتار ۱۱

درآمد

درآمد ۱۹

ابوبکر و اهل بیت ۲۸

تمیز قرآن با پیامبر و خاندان آن حضرت ۴۳

عمر و مدح امامت در آذان ۵۷

تحریف آذان ۷۲

نگرش ما

نگرش ما ۱۰۱

هدف از برداشتن حیله سوم و آذان

و گذاشتن «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» به حسی آن ۱۰۹

مخالفت خُلُفا با خط مشی اهل بیت ۱۱۳

سه احتمال ۱۱۶

احتمال اول ۱۱۷

احتمال دوم ۱۱۸

تأیید احتمال دوم ۱۲۱

منامی یا وحیانی بودن آذان ۱۳۴

احتمال سوم ۱۳۶

- نکته اول (نماز ابوبکر، شاخص خلافت اوست) ۱۳۶
- نکته دوم (استدلال عُمَر به فضیلتِ یارِ غار) ۱۴۰
- نکته سوم (استدلال عُمَر به نماز ابوبکر) ۱۴۷
- نکته چهارم (سنخیت میانِ رفع و وضع) ۱۴۷
- نکته پنجم («الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» سنت پیامبر نیست) ۱۴۹
- نکته ششم (نقش حکومت در اخبار ثویب و ترجیع) ۱۵۵
- نکته هفتم (سیاست و تحریف احادیث) ۱۵۹
- چکاره ۱۵۹
- آیا وضع تشییع از سوی عُمَر حقیقت دارد یا تهمت به اوست ؟ ۱۷۰
- روایت مالک و میزان اعتبار آن ۱۷۴
- نقش عُمَر در دورسازی اهل بیت از خلافت ۱۷۶
- بعضی از اخباری که برای خلافت ابوبکر به آنها استدلال شده است ۱۸۰
- خلط میان حق و باطل ۱۸۳
- راز آذان نگفتنِ بلال بعد از پیامبر ﷺ ۱۸۵
- سخن پایانی ۱۹۹
- منابع و مآخذ ۲۰۱

سخن مترجم

نماز ستون دین و مهم‌ترین رکن عبادی اسلام است، تردیدی وجود ندارد که انجام این واجب - در اوقات خاص خودش - از همه چیز (بزرگوارتر) است. امیدن، مطالعه و درس، دادوستد، کاروتلاش،) مهم‌تر است.

هر مسلمانی که خواه درس خوانده و فرهیخته و خواه عامی و بی سواد) می‌داند که نماز از خراب بهتر است. از این رو، بانگ آن در مهم‌ترین شعار اسلامی و در هر سوره سحر بر مأذنه‌ها (و در هرکوی و برزن) معنا ندارد و به ریشخند می‌ماند.

بزرگان شیعه از گذشته‌های دور به این امر توجه داشتند و اشاراتی بدان کرده‌اند. اما شاید نخستین بار است که علامه سید علی شهرستانی، نگاه چند بُعدی به جمله «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنْ النَّوْمِ» می‌اندازد و احتمالات گوناگون را در آن مطرح می‌کند و بابیه را رد می‌کند و گویا، به تحلیل سخنان و گمان‌هایی می‌پردازد که پیرامون آن به ذهن می‌آید.

در نگاه استاد، که آذان را عصاره عقاید اسلام و ایمان می‌انگارد و

اصول شریعت را در آن نهفته می‌بیند، بانگ «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» وَّصَلَةُ نَاجِسٍ و ناجوری است که بر قامتِ آذان سنگینی می‌کند و هرگز بادیگر فصول آذان، دمساز نمی‌افتد و هم آوا نمی‌شود.

این بند، در آغاز (و در زمان پیامبر ﷺ) جزو آذان نبود و بعدها - به ویژه در زمان عُمَر - پس از حذف حِیْعَلَةُ سَوْم (به بهانه‌ای ناپخته و پنداشتن تمام) جایگزین آن در آذان صبح شد.

بحث صلوات استاد، در این کتاب، واری این جمله بارویرکرد اعتقادی است.

از این زاویه، ارتباط معناداری میان برداشتنِ «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» از آذان و گذاشتنِ «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» به جای آن، رخ می‌نماید و درگیری بنیادین میان اصل بیت ﷺ (و پیروان آنها) و مکتب خلفا، رقم می‌خورد؛ حِیْعَه، با حِیْعَلَةُ سَوْم، فراخوان به ولایت را در مأذنه‌ها بانگ می‌زند و آن را آخرین عمل می‌شمارد و دلایل استوار بی‌شمار و شوق انگیزی و اراده می‌دهد و سُنَّی، باندا ی «نماز از خواب بهتر است» (در آذان صبح) خلافت را فریاد می‌کشد و ابوبکر را عَلم می‌کند و افتان و خیزان، به معیارهای لفظی، جنگ می‌آویزد.

بی‌گمان، این اثر، از نوشته‌های جذاب و روشنگرانه‌ی استاد شهرستانی است که در عین اختصار، مطالب ژرف و شیرین و تازه و

راهگشایی را در بردارد و برای خواننده، روح نواز، غرور آفرین و بشارت زاست.

امیداست ترجمه فارسی کتاب «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ فِي الْأَذَانِ»، «الوجه الآخر» (روی دیگر «نماز از خواب بهتراست» در آذان) که با عنوان بانگ خلافت در آذان، به چاپ می‌رسد، پژوہشگران و خوانندگان را سودمند افتد، و برگستره دانش و بینش آنان بیفزاید و در میان مسلمانان واقع بینی و خرداندیشی را بپراکند.

شهر مقدس، محرم سال ۱۴۳۳ هجری

سید هادی حسینی

پیش گفتار

«الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» (نماز بهتر از خواب است) جمله‌ای است که تنها در آل صبح اهل سنت بازتاب دارد. بزرگان در تفسیر این عبارت و معنای آن اختلاف کرده‌اند.

آیا الف ولامی که بر سر واژه‌های «الصَّلَاةُ» (نماز) و «النَّوْمُ» (خواب) در آمده‌اند، «ال» جنس می‌شد یا «ال» عهد است.

بیشتر عالمان اهل سنت، بین می‌دارند که این «ال» به جنس «نماز» و «خواب» رهنمون است، لیکن با وجود این، «در انجام و پیوند بهتر بودنی که میان این دو مد نظر قرار گرفته است، به شک افتاده‌اند؛ چرا که در یک سوی آن «صلاة» (نماز) قرار دارد که «مترین» عبادت است و «وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (نماز، برای سنگین می‌نماید مگر بر خاشعان) و در سوی دیگر، «نوم» (خواب) می‌باشد که راحتی و آسودگی است.

ابن عابدین، با نظر به حل این اشکال، به تفسیر این جمله می‌پردازد و می‌گوید: «خواب» در اصل «خیر بودن» یا «نماز» مشارکت دارد؛ زیرا «خواب» آن‌گاه که وسیله‌ای برای کسب طاعت یا ترک معصیت باشد، عبادت به شمار می‌آید یا بدان جهت که «خواب» راحتی و آسایش در دنیا و «نماز» راحتی در آخرت است، پس «خواب» راحتی آخرت از «خواب» راحتی دنیا برتر است.^۱

ابن حجر، در شُئْل السلام می‌نگارد:

می‌گویم: براین اساس، «الضَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ التَّوْمِ» از الفاظ آنست که برای فراخوان به نماز و اعلام فرارسیدن وقت آن، تشرع شده است، نمی‌باشد، بلکه از الفاظی به شمار می‌رود که باعث بیداری شخص خواب به کار می‌رود، و چونان الفاظ تسبیح [سبحان الله والحمد لله و...] است که در این زمان‌های متأخر، مردم آن را به جای آذان اول، مرسوم ساخته‌اند.

با توجه این مطلب، به آسانی می‌توان جدال را که در «تنویب» [بانگ جمله «الضَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ التَّوْمِ» در آذان] میان فقها رایج شده است، دریافت؛ اینکه: آیا «تنویب» از الفاظ آذان است یا نه؟ آیا «تنویب» بدعت می‌باشد یا بر

۱. حاشیه ردّ المختار علی الدر المختار ۱: ۴۱۸.

ساخته نیست؟ چه معنایی در این جمله، مقصود است؟
 بیدار شدن برای نماز، بهتر است از خواب؛ یعنی آسایشی را
 که در عوض خواب، شخص در آخرت به دست می‌آورد،
 از راحتی خواب [در این دنیا] بهتر است.

ما در این باره، گفتاری داریم که در رساله لطیفی آن را
 آورده‌ایم.^۱

بنا بر این جمله، تفسیرهای گوناگون شده است و نوشته‌های
 لطیفی در این زمینه به نگارش در آمده‌اند!! بعضی آن را جایز
 شمرده‌اند و بعضی دیگر مانع آن را زشت می‌انگارند؛ چرا که با
 فصل‌های دیگر آذان، مخلوط ندارد، زیرا مقایسه خیر بودنی که در
 «نماز» لحاظ شده با خیر بودنی که در «خواب» مد نظر قرار گرفته
 است، معنادار نیست.

می‌دانیم که آذان، یک پدیده اسلامی است که در اسراء و معراج
 تشریع شد و میان شهادت‌ها و حیعله‌های آن، هماهنگی وجود
 دارد.

شهادت اول «أشهد أن لا إله إلا الله» (گواهی می‌دهم که خدای
 «الله» نیست) توحید را گویاست، پس باید حیعله اول با توحید
 طاعت و عبادت خدا مرتبط باشد، به همین خاطر، باندای «حی

عَلَى الصَّلَاةِ» (بشتاب سوی نماز) دعوت به توحید، رخ می‌نماید؛ زیرا «نماز» جز برای خدائست.

وچنین است شهادت دوم «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» (گواهی می‌دهم که محمد رسول خداست) یعنی اقرار به احکام و سنت‌ها و اخلاق و آداب (و هر آنچه را) که پیامبر ﷺ آورد؛ زیرا آن حضرت، پس از اینکه بگردد: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِحُوا»^۱ (بگویند «خدای جز خدا نیست») رستگار می‌شود) دعوتش را به تدریج آغازید، و در پی آن، تعالیم پیام دربارۀ نماز و زکات آمد. خدای سبحان فرمود: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى»^۲ (رستگار شد هر که زکات پرداخت و بدین وسیله نفس خویش را براساس و فرمود: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»^۳ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»^۴ (مناشی رستگارند که در نمازشان خاشع باشند).

آری، «فلاح» (رستگاری) در همه آیه‌های نهفته است که پیامبر ﷺ آورد (احکام و دیگر چیزها) خدای سبحان، کسانی را رستگار می‌داند که پیامبر را پیروی کنند، می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي الشَّارِعَةِ

۱. صحیح ابن خُزَیمَة ۱: ۸۲؛ صحیح ابن جَبَان ۱۴: ۵۱۸.

۲. سورة اعلی (۸۷) آیه ۱۴.

۳. سورة مؤمنون (۲۳) آیه ۱-۲.

وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ تُولِئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^۱؛ کسانی که پیامبر درس ناخوانده را پیرویدند؛

عمو که (اهل کتاب) نامش را در تورات و انجیل نزد خود، مکتوب می‌یابند [پیامبری که] آنان را به کارهای نیک فرا می‌خواند و از زشتی‌ها باز می‌دارد، پاکیزه‌ها را برایشان حلال می‌سازد و پلیدی‌ها را بر آنها حرام می‌کند؛ بارها [و تکالیفه] سستین بر قید برایی که بردوششان داشتند، برمی‌دارد؛ آنان که به او ایمان آوردند، از حضرات اوستیانی و یاری کردند و نوری را که با او نازل شد، پیرویدند، همان رستگاران اند.

بنابراین، «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» (ایستاد برای رستگاری) به معنای پیروی سنت پیامبر، بعد از عبادت خداست و این، ما را به ارتباط بنیادین میان فصول آذان (ارتباط میان شجره‌ها و حبله‌ها) رهنمون است.

لیکن این ارتباط را میان «خیریت» لحاظ شده در «سمان» و «شهاب» نمی‌بینیم.

باری، اگر انسان به آذان، بادید معرفتی و ارزشی بنگرد و بداند که آذان تنها برای اعلام وقت نماز نیست، بلکه بیان اصول عقیده و ارکان

دین (توحید، نبوت و...) می‌باشد و خدا آذان را در اسراء و معراج تشریع کرد (نه در خواب) به گسیختگی «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» از دیگر فصول آذان پی می‌برد و تفسیر ساده لوحانه و پیش پا افتاده‌ای را که بیشتر اهل سنت در این باره، بیان می‌دارند، بر نمی‌تابد.

نیز در می‌یابد که فروکاستن از شأن آذان و ناچیز انگاری جایگاهش و بی‌شمردن آن، از سوی پیروان «وَالشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ»^۱ (درخت لعین شده در قافان) بوق و کرنا شد، همان‌ها که پیامبر ﷺ در خوابش دید که پیروان میمون‌ها بر منبرش می‌جهند و آن حضرت، بس ناخرسند گشت و خدا دیناره‌شان این آیه را نازل فرمود: «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا نَفْسًا لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ»^۲ را روایی را که به تو نمایانیدیم، جز فتنه‌ای، برای مردم نیست و شجره نفرین شده...

اینان، به محمد ﷺ و آل محمد، حسادت می‌ورزیدند و می‌کوشیدند یاد آن حضرت را از خاطره‌ها محو سازند، لیکن خدا جز بالا بردن نام و یاد آنها را بر نتافت و فرمود: «وَوَرَّعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ»^۳ (و بلند آوازه‌ات ساختیم)، «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ الْوِبَاقَةِ هَهِنَ يَا بَيَّ اللَّهُ

۱. سوره اسراء (۱۷) آیه ۶۰.

۲. سوره اسراء (۱۷) آیه ۶۰.

۳. سوره انشراح (۹۴) آیه ۴.

إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ^۱؛ می‌خواهند نور خدا را با دهان هاشان خاموش سازند و خدا جز اتمام نورش را بر نمی‌تابد، هر چند کافران را ناخوشایند افتد.

و چنین است که درگیری و نبرد میان حق و باطل، نفاق و ایمان، تحریف و اصالت، پیوسته بوده و خواهد بود.

نگارنده در این نوشتار قصد دارد «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» (نماز بهتر است از خواب) را از دیدگاه عقایدی (و نه فقهی) و ارسی کند و روی دیگر این سکه را بسمایند؛ زیرا اهل سنت، بیشتر به معنای ظاهری آن اشاره می‌کنند و اینکه نیکوتر و برتر و نیکوتر از خواب است، بی‌آنکه پشت پرده اعتقادی و فکری آن را بیان دارند.

آنچه را نگارنده در اینجایی می‌بیند، رویکرد جدیدی است که بعضی را خرسند می‌سازد و دیگرانی را به حشمت می‌آورد. طرح این نگرش برای نقد و تبادل نظر است؛ چرا که به مسئله مهم امامت و خلافت پس از پیامبر ﷺ ارتباط می‌یابد.

شایان تأکید است که امامت به عنوان یک امر الهی و دینی یاری از احکام شرعی لحاظ شد، لیکن با کمال تأسف، دست تحریف و تحریف اصول و پایه‌های آن دست یازید و آن را از جایگاه اصلی اش منهدم ساخت و نمونه بدلی اش را جایگزین نمود؛ چنان که به دیگر امور

شریعت و تاریخ دست درازی کرد .

از خدای سبحان می خواهم که این عمل ناچیز را از من بپذیرد و
آن را در پرونده کارهای نیکم بگذارد و بدین وسیله گناهان و بدی
هایم را بپوشاند که او بخشنده و بزرگوار است .

سید علی شهرستانی

اول رجب ، سال ۱۴۳۲ هجری

www.ketab.ir